

ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج‌البلاغه

سیاوش پورطهماسبی*

آذر تاجور**

چکیده

در این تحقیق نشان داده شده است که حضرت علی(ع) پس از انتخاب کارگزاران خود، مستقیم و بلاواسطه بر آنها نظارت می‌کردند و آنان را از هرگونه کوتاهی در انجام وظایف محوله برحذر می‌داشتند. به نظر آن حضرت، بی‌توجهی در امور سبب می‌شود که حکومت‌ها پس از مدتی به واسطه فسادهای مالی، اداری، اخلاقی، ... در سراسری انحطاط و سقوط بیفتند. در نگاه ایشان، اهمیت کارگزاران حکومتی چنان است که هر جامعه‌ای برای آنکه بتواند روی سعادت ببیند و امور آن اصلاح شود، باید از کارگزاران لایق و متعهد بهره‌گیری. در اهمیت نقش کارگزاران در ثبات یک نظام همین بس که ضعف کارگزاران آن نظام سیاسی حتی در مواردی که مشروعیت اولیه داشته است - همانند شورهای که با رأی مردم بر سرکار آمده‌اند - موجب زوال آن مشروعیت شده است؛ برعکس، گاه یک نظام فاقد مشروعیت اولیه - همانند شورهای که با کودتا روی کار آمده‌اند - توانسته است به دلیل توانمندی کارگزاران و مدیران به‌مرور زمان مقبولیت و مشروعیت مردمی کسب کند. بنابراین، دوام و قوام حکومت‌ها قبل از هر چیز به نقش کارگزاران حکومتی بستگی دارد.

کلیدواژه‌ها: کارگزاران، مدیریت، نهج‌البلاغه، حکومت علوی.

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بيله‌سوار، و دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد علوم و تحقیقات tahmasbesiavash@yahoo.com

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی واحد بيله‌سوار

تاریخ دریافت: 89/7/18، تاریخ پذیرش: 89/9/24

مقدمه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارآیی نظام‌های سیاسی، مسئله صلاحیت و کارآمدی کارگزاران و مدیران است. بررسی سیستم‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان به‌خوبی نشان می‌دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومت‌ها تا چه حد منشأ اثر بوده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد و در این راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی یا لائیک وجود ندارد. یکی از الگوهای بسیار مناسب در جهت اثبات این مدعا، سیره مولا امیرالمؤمنین علی(ع) در دوران زمامداری است که هم از باب سنت و هم از جهت مدیریت معقول می‌توان در آن دقتی شد و از آن بهره گرفت. آن حضرت(ع) در سیره سیاسی خود به‌خوبی نشان داده‌اند که یکی از عوامل فروپاشی نظام‌های سیاسی، ناکارآمدی آن و زوال عدل است که عمدتاً به دلیل مدیریت ناصالح و ناسالم رخ می‌دهد. هر جامعه برای ادامه و اداره زندگی اجتماعی خویش، ناگزیر به تشکیل حکومت است؛ و در این مسیر باید به مواردی توجه شود:

1. برای اداره بهتر جامعه، باید تقسیم کار صورت گیرد و افرادی برای تصدی مسئولیت‌ها تعیین شوند.
 2. همه کارگزاران در کنار هم، مجموعه‌ای تشکیل می‌دهند که در جهت اداره بهتر جامعه و رسیدن به هدف از تشکیل حکومت، گام برمی‌دارند. (حسینی اصفهانی، 1384: 16)
 3. هر یک از اعضا و کارگزاران باید صلاحیت لازم برای اداره جامعه را داشته باشد.
 4. اگر یکی از اعضا فاقد صلاحیت و ویژگی لازم باشد، چرخه اداره جامعه با مشکل مواجه خواهد شد.
 5. بنابراین، حاکمان و کارگزاران ذی‌صلاح باید تحت نظارت مستمر باشند تا صلاحیت آنان همواره بازبینی شود و با آسیب‌شناسی رفتار آنان، با متخلفان برخورد مناسب صورت پذیرد. (حسینی اصفهانی، 1384: 15)
- اما در میان همه حکومت‌ها تاکنون هیچ حکومتی به مانند حکومت امیرالمؤمنین علی(ع) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است. این واقعیت را می‌توان از نامه‌ها و خطبه‌های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی جست‌وجو کرد؛ فرمان‌ها و دستوراتی که از جامعیت فوق‌العاده و بی‌نظیری برخوردار بود. (حسینی اصفهانی، 1384: 87)

در تمامی نامه‌ها و عهدنامه‌های آن حضرت (ع) به کارگزاران، مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت ملاحظه می‌شود. دقت ایشان در رعایت حال مردم و حفظ شخصیت آنها و پرهیز از زورگویی و تهدیدشان به این سبک در سایر رهبران دیده نمی‌شود. فرمان‌هایی که رهبران غیرالهی در عزل و نصب کارگزاران خود صادر می‌کردند، از آنجا که فاقد بینش کلی در ابعاد وجود انسان بود، عموماً به حکومت و جامعه لطمه وارد می‌کرد.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله ویژگی‌های کارگزاران حکومتی داده شده، به طوری که هلاکت و هدایت جامعه به آن ربط داده شده است. از طرف دیگر، از دیدگاه حضرت امیر (ع)، احراز قدرت سیاسی وسیله‌ای جهت خدمت به خلق و رفع مشکلات و توسعه معیشت و اقامه عدل و آبادانی آخرت است؛ لذا حضرت در نامه‌ای به استاندار خود در آذربایجان فرمودند:

ان عملک لیس بطعمه و لکنه فی عنقک امانه. (نهج البلاغه: نامه 5)

امارت و زمامداری یک طعمه و لقمه چربی در دست تو نیست که بتوانی آن را بلعی بلکه آن یک امانت است که بر گردن تو آویخته شده است و تو نسبت به آن مسئول و پاسخگو خواهی بود.

بنابراین در نگاه علی (ع)، مسئولیت امانتی است جهت خدمت به خلق و برای رضای خالق. به همین جهت ایشان پاسخگویی به داور اعظم و مالک روز جزا و پاسخگویی به مردم را کلاً به کارگزاران خود متذکر شده‌اند و آنان را از عواقب امور بیم و هشدار داده‌اند. (سرمد، 1386: 211)

در تاریخ، نمونه‌های زیادی از حکومت‌ها وجود دارد که بی‌دینی را در جامعه ترویج می‌کردند و مدت‌های طولانی به حکومت خود ادامه می‌دادند؛ اما حکومت‌های جائز که تنها به زور قدرت ظالمانه خود تکیه می‌زدند، تنها توانسته‌اند زمان کوتاهی بر مردم حکمرانی کنند و سرانجام به واگذاری قدرت و از دست دادن حکومت مجبور شده‌اند. از طرف دیگر، تنها با رعایت عدل است که حکومت صاحب اموال فراوان و سرزمین‌های آباد می‌شود و جامعه رو به صلاح و رستگاری حرکت می‌کند. (ابن طباطبای، 1360: 19)

نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که داشتن صلاحیت‌های تخصصی، تجربی، خانوادگی و تربیتی و دینی، شرط لازم برای یک کارگزار حکومتی محسوب می‌شود، اما این شروط به هیچ وجه کافی نیست. اگرچه برای داشتن یک حکومت پایدار و موفق، عملکرد مطلوب کارگزاران در طول دوران صدارت و قدرت آنان الزامی است، نظارت

مستمر بر کارگزاران و والیان از سوی حاکم اسلامی در این راستا کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. کراراً اتفاق افتاده است که حکومت‌ها با برگزیدن کارگزاران توانمند و صالح در رأس امور، پس از مدتی رو به فساد و انحطاط رفتند و نتوانستند ثبات و کارایی از خود نشان دهند. علت چنین امری، عدم نظارت بر عملکرد کارگزاران از سوی حاکم مافوق است. (پیروز و دیگران، 1385: 244 - 245)

ویژگی‌های مثبت کارگزاران

1. خدامحوری

کسی که در وادی اداره جامعه و مسائل سیاسی قدم می‌گذارد و می‌خواهد به مردم خدمت کند، باید در هر شرایطی خداپاور و خدامحور باشد؛ چه، قدرت و ریاست به‌طور طبیعی غرورآفرین است و از این رو، سیاستمداران بیش از دیگران در معرض لغزش و سقوط قرار دارند. یاد خدا و توجه به او، نیرویی است که همواره انسان را در لغزشگاه‌ها و خطرهای حفظ می‌کند. حضرت علی(ع) بدین دلیل، در دستورالعمل خود به مالک اشتر فرمان می‌دهند:

خداوند سبحان را با قلب و دست و زبان یاری نما؛ زیرا خدای بزرگ، یاری و عزت کسی را که یاری اش کند و عزیزش بدارد، تضمین کرده است. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

خدامحوری، آثار متعددی همچون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الی‌الله دارد؛ و هدف عالی در تربیت اسلامی، رسیدن به مقام قرب الهی است. علاوه بر این، اگر مدیران و سیاستگذاران جامعه براساس خداپاوری و حق‌مداری حرکت کنند و در راه خدا قدم بردارند، خداوند محبت آنها را در دل مردم جای می‌دهد. (وائقی، 1380: 56 - 58)

2. حق‌مداری

حضرت علی(ع) در زمینه حق‌مداری، به مالک اشتر برای انتخاب همکاران نزدیکش دستور می‌دهند:

افراد حق‌گو را به خود نزدیک کن! از میان خواص خود، کسی را به خود نزدیک‌تر کن که در حق‌گویی - گرچه گفتار حق تلخ است - صراحت لهجه داشته باشد. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

همچنین درباره حق‌والی و رعیت می‌فرماید:

هرگاه رعیت حق‌والی و والی حق رعیت را ادا کند، حق در بین آنها عزیز و قواعد دین استوار و روزگار اصلاح می‌شود. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

بنابراین، یکی از صفات براننده زمامدار، حق‌گویی و حق‌مداری است که طبق کلام رسول خدا (ص)، «حق را باید گفت، هر چند در ذائقه بعضی تلخ آید». (کلینی، 1388ق، 1/ حکمت 8)

3. عدالت‌خواهی

سراسر زندگی حضرت علی(ع) نشان‌دهنده اعتدال و اجرای عدالت در جامعه است. ظلم‌ستیزی ایشان و مبارزه با ستم و بیدادگری، چه در دوران حکومت و چه پیش از آن، از ویژگی‌های زندگی آن حضرت(ع) است؛ چنان‌که دوست و دشمن بدان معترفند. حضرت علی(ع) در دستورالعمل‌های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت در بین مردم تأکید می‌کردند؛ همان‌گونه که فرازهایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است:

مالکا، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکان و هر که هوای او را در سر داری از سوی دیگر، مراعات کن. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

4. امانت‌داری

هر کس در هر پست و مقامی که باشد، امانت‌دار مردم است و باید در حفظ امانت بکوشد؛ زیرا اموال، ناموس، حیثیت، شرف و بسیاری از مسائل حیاتی مردم نزد کارگزار دولت قرار داده شده و او مسئول نگه‌داری آنها است، حتی مقام و منصبی که به او واگذار شده، امانت است و از این‌رو، باید در ادای وظیفه‌اش تلاش کند. حضرت علی(ع) گذشته از اینکه خود نمونه کامل امانت‌داری در زمینه‌های گوناگون بودند، دیگران را نیز به رعایت امانت سفارش می‌کردند و می‌فرمودند:

امانت را ادا کنید، هر چند صاحبش قاتلان فرزندان انبیا باشد. (محمدی ری‌شهری، 1375: ج 1/214، ماده «الامانة»)

امیرالمؤمنین(ع) در این باره فرمودند:

برترین ایمان امانت‌داری است. (نهج‌البلاغه: نامه 53)
و هر که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد. (نهج‌البلاغه: نامه 26)

بنابراین، در تربیت سیاسی کارگزاران باید خصیصه امانت‌داری را در آنها ایجاد و تقویت کرد. آنچه امروزه موجب بروز مشکلات گوناگون در جوامع اسلامی شده، این است که رهبران و کارگزاران حکومتی افرادی صالح و امانتدار نیستند.

5. فقرزدایی

امام علی(ع)، هم خود یار و مددکار فقرا و محرومان بودند و هم افرادی را با این ویژگی پرورش دادند؛ چنان‌که خطاب به مالک می‌فرماید:

ای مالک، درباره طبقه پایین مردم که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن! آنها عبارتند از: بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمینگیرشدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر را در نظر بگیر! (نهج‌البلاغه: نامه 53)

از این توصیه‌های علی(ع) به مالک درباره فقرزدایی از جامعه برمی‌آید که حمایت از فقرا و نیازمندان به‌عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است و برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات، از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه، است. (ناظم بکایی، 1382: 21)

ویژگی‌های منفی کارگزاران

برخی ویژگی‌های منفی‌ها ممکن است دامنگیر کارگزاران سیاسی شود و در نتیجه آنها نتوانند وظایف خود را به شایستگی انجام دهند، عبارتند از: غرور و خودبینی، هواپرستی، انصارطلبی و پیمان‌شکنی.

1. غرور و خودبینی

تکبر و خودپسندی، بزرگ‌ترین آفت سیاسی است. چه بسا دیده شده است زمامدارانی که پس از استقرار در مسند قدرت، همه ارزش‌ها را زیرپا گذاشته و به تعهدات خود در برابر مردم عمل نکرده‌اند. از اینجا است که حضرت علی(ع) همواره کارگزاران نظام اسلامی را به دوری از تکبر و خودبینی توصیه می‌کند. آن حضرت (ع) به مالک می‌فرماید:

بپرهیز از خودپسندی و تکیه به چیزی که تو را به خودخواهی وادارد و بپرهیز از اینکه دوست بداری مردم تو را بستانند؛ زیرا حالت غرور و خودبینی مناسب‌ترین فرصت برای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را از بین ببرد. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

آن حضرت (ع) همچنین دربارهٔ عجب و خودخواهی فرمودند:

هر که به آرا و نظرهای خود به چشم خودپسندی نگاه کند، دشمنان بر او مسلط خواهند شد. (کلینی، 1388ق، 1/ حکمت 8)

2. هواپرستی

در اندیشهٔ سیاسی حضرت علی (ع)، هواپرستی و پیروی از خواسته‌های نفسانی، مانع اصلی تحقق عدالت است. از این رو، آن حضرت (ع) همیشه دوری‌گزیدن از هوای نفس را به فرمانروایان توصیه می‌کردند، چرا که هرگاه زمامدار براساس خواستهٔ خود عمل کند و هرچه را میل دارد، انجام دهد، از اجرای عدالت و دادگری باز می‌ماند. (نهج‌البلاغه: نامهٔ 59) علی (ع) در جایی دیگر می‌فرماید:

دین اسیر دست اشرار و بدکردارانی است که آن را وسیلهٔ رسیدن به هوای نفس و دنیای خود قرار داده‌اند. (نهج‌البلاغه: نامهٔ 53)

3. انحصارطلبی

در کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، از این خصوصیت به «استثثار» تعبیر شده است و آن حضرت (ع) فرمانروایان را به شدت از آن برحذر داشته‌اند، چنان‌که به مالک می‌فرماید:

از امتیازخواهی بپرهیز و از اینکه چیزی را که همهٔ مردم در برابر آن یکسانند به خود اختصاص دهی، دوری کن! هر چند زمامدار نزدیکان و خویشاوندانی دارد که توقع برتری، امتیازگیری و دخالت در قراردادها بدون رعایت انصاف را دارند، ولی تو تدبیری بیندیش که با از بین بردن عوامل آنها، ریشهٔ انتظاراتشان را برکنی و به هیچ‌یک از اطرافیان و وابستگان چیزی از زمین و امثال آن وامگذار و مبادا در تو طمع کنند، در حالی که این کارمایهٔ ضرر سایر مردم می‌شود. (کلینی، 1388ق، 1/ حکمت 8)

4. پیمان‌شکنی

پای‌بندی زمامداران به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند و احیاناً برای تحقق آن سوگند یاد می‌کنند، سبب نفوذ آنان در دل‌ها، کسب اطمینان و استواری نظام می‌گردد. امیرمؤمنان علی (ع) در این زمینه به مالک دستور می‌دهند:

از اینکه به مردم وعده‌دهی و به انجام کاری متعهد شوی و سپس تخلف کنی، بپرهیز؛ چون تخلف وعده و پیمان‌شکنی موجب خشم خدا و خلق است. (کلینی، 1388ق، 1/ حکمت 8)

ملاک‌های گزینش کارگزاران

امام علی (ع) درباره ملاک‌های کلی گزینش مدیران و کارگزاران حکومت، صفاتی را برمی‌شمارد که شایسته است در نظام اسلامی ما به‌طور دقیق و سنجیده به کار گرفته شوند. اهم این اوصاف و معیارها به قرار ذیل است:

1. ایمان و تقوا

در گزینش افراد برحسب نوع مسئولیت، باید تقوا و ایمان آنان ملاک قرار گیرد؛ زیرا ایمان به خدا و تسلیم در برابر اوامر او، آنچنان تعهد و الزامی در انسان ایجاد می‌کند که از این عمل خلاف احتراز می‌کند و مسئولیت درمقابل خدا، در نزد او، بر هرگونه قانون و مقام مافوق رجحان دارد، و او تنها خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می‌بیند. (موسوی‌زاده، 1382: 89)

امام علی (ع)، شیوه برخورد و اصول مدیریت را در نامه خود به مالک اشتر، از تقوا و خداگرایی آغاز می‌کند و او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و از آنچه در کتاب خدا درباره واجبات و سنت‌ها آمده است، پیروی کند؛ دستوراتی که جز با پیروی آنها رستگار نخواهد شد، و جز با نشناختن و ضایع کردن آنها جنایتکار نخواهد شد. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

2. صلاحیت اخلاقی

برحسب نوع مسئولیتی که به افراد سپرده می‌شود، به صفت اخلاقی مربوط به آن نیز باید توجه شود؛ برای مثال، اگر به کسی مسئولیتی داده می‌شود که بیشتر با مردم سروکار دارد، باید حسن خلق و مردم‌داری او بر سایر صفات وی بچربد، و اگر عهده‌دار بیت‌المال است، باید در صداقت و امانت‌داری مشهور باشد. پس جایگاه مسئولیت اشخاص را صرف‌نظر از سایر شروط، اخلاق آنان تعیین می‌کند. اینها نکات ظریفی هستند که در هسته گزینش باید به آنها توجه شود تا بر حرکت و فعل و انفعالات یک نظام، هماهنگی کامل حکمفرما شود. (وائقی، 1380: 54-55)

امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، می‌فرماید:

کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر است. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

3. جهادگری

نیروی مطلوب، نیروی جهادی است. «جهاد» واژه‌ای مقدس، مهم و تأثیرگذار است که از «جهد» یا «جُهد» گرفته شده و به معنی «کوشش پیگیر» است. چند نکته در واژه «جهاد» وجود دارد:

الف) تلاش مستمر: جهاد یعنی تلاش شبانه‌روزی. جهادگر واقعی، ایستا نیست، بلکه چون دلسوز است، پویا و متحرک است؛ همیشه برنامه دارد، و در پی تحقق اهدافی است.

ب) اخلاص: جهاد البته مقید و مشروط است: «فی سبیل الله» یعنی برای خدا است و جانب قدرت شخصی را نمی‌گیرد. «من» نباید محور باشد، بلکه اسلام محور و پیروز نهایی است.

ج) فداکاری: یعنی نیروی جهادی حاضر است مجروح، مفقود، و شهید شود، حتی حیثیتش بر باد رود، اما اسلام سربلند شود. در فرهنگ و سنت ما، به چنین فردی «مجاهد» اطلاق می‌شود.

4. اصالت خانوادگی

اگر صفات اخلاقی و پسندیده در نفس انسان ملکه نشود، هرگز مصدر افعال خوب واقع نمی‌شود. چنانچه افراد گزینش شده از خاندان شریف و بافضیلت باشند، می‌توان تصور کرد که صفات اخلاقی در آنها از سنین کودکی شکل گرفته است و بادوام و ریشه‌دار در فرد وجود دارد. علاوه بر آن، صفات خوب و بد از طریق ارث به فرزند منتقل می‌شوند؛ و اخلاق خوب و پسندیده یا زشت و نکوهیده، معرف پاک‌ی وراثت یا بدی آن هستند.

5. حسن شهرت

اعتبار یک حکومت با حضور چهره‌هایی که امین مردم هستند، بالا می‌رود و بهترین پشتوانه و دلگرمی برای یک مسئول، اعتماد مردم به او است. بنابراین، افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده‌اند و حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد، مدیر و دوراندیشند و در کارها و مسائل، عمیق و ژرف‌نگرند و شایستگی بیشتری در تصدی امور دارند.

6. آزمایش لیاقت‌ها

افراد باید براساس تعهد و نوع تخصص و توان اجرایی، انتخاب و به کار مورد علاقه گمارده

شوند. روابط نباید هیچ‌گاه جای ضوابط را بگیرد و لیاقت‌ها و شایستگی‌ها قربانی دوستی‌ها و مسائل خویشاوندی شود. از این رو است که حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن، زیرا این نوعی ستمگری و خیانت است. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

7. اصلاح‌گری

نیروی مطلوب اسلامی، نیرویی مصلح است، به گونه‌ای که هر جا نقطه ضعف و یا نقصی وجود داشته باشد، درمقابل نقص‌ها می‌ایستد، فکر می‌کند و به دنبال برنامه‌ای است تا این نقص‌ها را به نقاط مثبت مبدل کند.

8. تحول‌گرایی

نیروی انسانی مطلوب باید به گونه‌ای باشد که اگر مسئولیت ادراۀ جایی به او سپرده شد، براساس آرمان‌ها و نقاط مطلوب اسلام بتواند در آن محیط کوچک یا بزرگ، تحول مثبت ایجاد کند؛ بدین معنا که آن محیط را از حالت ایستا به حالت پویا تغییر دهد.

9. اهل امر به معروف و نهی از منکر بودن

نیروی مطلوب اسلامی، نیرویی است که خواستار تحقق نیکی‌ها و زایل شدن بدی‌ها در جامعه است و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند. معروف و منکر، دایره وسیعی دارد؛ و یکی از اهداف نهضت اباعبدالله‌الحسین(ع)، همین امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

10. مشتاق و داوطلب بودن

کارگزار مطلوب اسلامی، مشتاقانه، آگاهانه، داوطلبانه، با انگیزه مقدس و براساس برنامه‌ای مشخص، کارها را پیش می‌برد. نیروی مطلوب انسانی و اسلامی، نیروی بخشنامه‌ای و یا نیروی حقوق بگیر و مزد بگیر رایج و متعارف نیست. نه اینکه حقوق بگیرد و یا به بخشنامه عمل نکند، بلکه به مسئولیتش به عنوان کار و کاسبی نگاه نمی‌کند؛ زیرا معتقد است که زندگی خواهد گذشت، اما آنچه اهمیت دارد، ادای تکلیف است.

11. تکلیف‌گرایی (وظیفه‌گر بودن)

نیروی مطلوب اسلامی نمی‌گوید «چقدر به من حقوق می‌دهند، یا موقعیت اجتماعی‌ام چگونه می‌شود»، بلکه بر آن است که تا چه میزانی می‌تواند تحول ایجاد کند، و آنچه برای او اهمیت دارد، این است که چقدر می‌تواند برای اسلام مفید باشد. دنبال کار، شغل و موقعیت نیست، بلکه به فکر اسلام عزیز است؛ و دنیاگرا نیست، بلکه آخرت‌گرا است.

وظایف حاکمان و کارگزاران

با توجه به فلسفه تشکیل حکومت اسلامی و نیز وظایف حاکم اسلامی، امام علی(ع) در فراز آغازین عهدنامه مالک اشتر، وظایف مهم او را برمی‌شمارد.

1. جمع‌آوری مالیات‌ها

حاکم برای اداره حکومت و جامعه و نیز تأمین نیازمندی‌های عمومی جامعه، به بودجه نیاز دارد. یکی از بهترین راه‌های تأمین بودجه، دریافت مالیات‌ها است. از این‌رو، امام علی(ع) اولین وظیفه حاکم را جمع‌آوری مالیات‌ها می‌داند و مالک اشتر را به جمع‌آوری آن امر می‌کند:

این فرمان بنده خدا، علی - امیرمؤمنان - به مالک اشتر - پسر حارث - است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزینند تا خراج آن دیار را جمع آورد. (نهج البلاغه: نامه 53)

2. جهاد با دشمنان

دشمنان دین همواره در کمینند تا در هر فرصتی بر پیکره حکومت اسلامی ضربه وارد و آن را ناتوان کنند. از این رو، همه مردم باید هوشیار باشند؛ و در این میان، حاکم و کارگزاران، نقش و مسئولیت سنگین‌تری دارند، چرا که آنان در حکم دیده‌بان هستند و حقایق و واقعیات را از افقی برتر می‌بینند، پس باید همواره کوچک‌ترین حرکت دشمن را ببینند و مردم را نیز آگاه کنند تا خود را در مقابله با دشمن آماده سازند. از این رو است که امام علی(ع) می‌فرماید:

این فرمان بنده خدا، علی - امیرمؤمنان - به مالک اشتر - پسر حارث - است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزینند ... تا با دشمنانش نبرد کند. (نهج البلاغه: نامه 53)

3. گسترش عدالت

در اسلام، ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق همدیگر و رفتار عادلانه موظفند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌ها است، به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم، در پوست جوی که ناروا از مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد. (نهج‌البلاغه: خطبه 224)

4. اصلاحات

حاکم باید با ارشاد مردم و فراهم‌ساختن زمینه‌های تعلیم و تربیت و نیز مبارزه با انحرافات، شرایط اصلاحات را فراهم کند؛ با نظارت دقیق بر کار کارگزاران، هرگونه انحرافی را از بین ببرد و به اصلاح امور بپردازد. از این رو، حضرت علی (ع) در آغاز عهدنامه مالک اشتر، به این مهم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

این فرمان... هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزیند... تا کار مردم را اصلاح کند. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

5. عمران و آبادانی شهرها

امیرالمؤمنین (ع) در ابتدای نامه خود به مالک اشتر (والی مصر) می‌فرماید:

... تا شهرهای مصر را آباد سازد.

در فرازی از این نامه، توجه تام و کامل به عمران و آبادانی را گوشزد می‌کنند و پیامد اجرا یا ترک این مهم را بیان می‌دارند:

باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیش از جمع‌آوری خراج باشد. خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌شود؛ و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به‌دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نمی‌آورد...؛ زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به‌خاطر تنگدستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان به‌خاطر غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

6. مردم‌داری

امیرالمؤمنین (ع) در نامه 53 به مالک اشتر می‌فرمایند:

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو‌اند، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخش و بر آنان آسان‌گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر هستی و امام تو از تو برتر است و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است.

آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران

یکی از کارهای مهم و اساسی، شناخت آسیب‌ها و راه‌های رفع آنها است؛ و اینک، به برخی از آسیب‌ها و راه‌های مقابله با آنها:

1. روحیه تکبر و استبدادگری

حضرت علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به این مدیر باتقوا و متعهد می‌فرمایند:

به مردم نگو به من فرمان داده‌اند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود؛ که این‌گونه خود بزرگ‌بینی، دل را فاسد و دین را پژمرده می‌کند و موجب زوال نعمت‌ها است. (نهج البلاغه: نامه 53)

بنابراین، حاکم اسلامی باید از هر نوع غرورزدگی، خودمحوری و خودبزرگ‌بینی به‌دور باشد.

2. روحیه خون‌ریزی به ناحق

آن حضرت (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:

از خون‌ریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند، ... پس با ریختن خون حرام، حکومت خود را تقویت مکن، زیرا خون ناحق پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن را برمی‌کند و به دیگری منتقل می‌سازد، و تو نه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق

نخواهی داشت، چرا که کيفر آن قصاص است و از آن گزیری نیست. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

3. عدم دسترسی مردم به حاکمان

حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان‌بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه است. نهان‌شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، بازمی‌دارد؛ پس کار بزرگ اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درمی‌آید. همانا زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی‌داند، و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود. آن حضرت راه درمان این مشکل را «درمیان مردم بودن و با آنان همراهی کردن» می‌داند. بنابراین، با رعایت اصل «عدم احتجاب»، رابطه حاکم و مردم اصلاح می‌شود. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

4. فراموش کردن محرومان و مستضعفان و کم‌توجهی به آنان

حضرت در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

سپس خدا را! درخصوص طبقات پایین و محروم جامعه؛ آنان که هیچ چاره‌ای ندارند، و عبارتند از زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشین‌داری می‌کنند و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان، سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی. مبدا سرمستی حکومت، تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که انجام کارهای فراوان و مهم هرگز عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

5. زیاده‌خواهی از بیت‌المال و نادیده گرفتن عدالت

از دیگر آسیب‌هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می‌کند، زیاده‌خواهی از بیت‌المال و نادیده گرفتن عدالت است. اموال عمومی به اقسام گوناگونی تقسیم می‌شوند، مانند مشترکات عمومی، مباحات اولیه، مجهول‌المالک و درآمدهای عمومی. ولی مقصود از

«بیت‌المال» در اینجا، اموالی است که اختیار هزینه کردن آنها، به دست امام است، مانند غنایم جنگی، خراج، جزیه، زکات، صدقات عامه و اوقاف عمومی. (نهج‌البلاغه: خطبه 224)

کنترل و نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران

کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه، از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به‌شمار می‌رود که نبود یا کم‌رنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می‌کند. اصل کنترل و نظارت، با نظام آفرینش هماهنگ است؛ چرا که آفریدگار حکیم اصل کنترل و نظارت را در مجموعه آفرینش منظور کرده و درباره انسان فرموده است: *إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ؛ فليُنظَرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ.* (طارق، 86/4-5)

1. رسیدگی به وضع معیشتی کارمندان و کارگزاران

سیاست مالی علی(ع) در قبال کارمندان دولتی، دو وجه دارد: مخاطب یک وجه آن، مدیران ارشد نظامند و مخاطب وجه دیگر آن، مابقی کارمندان دولت. امام علی(ع) در تأمین حقوق کارمندان و تلاش جهت بهبود وضعیت معیشتی آنان، به مالک اشر می‌فرمایند:

سپس روزی فراوان بر آنان (کارمندان) ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، به اموال بیت‌المال دست نمی‌زنند؛ و اتمام حاجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. (نهج‌البلاغه: نامه 53)

اما سیاست علی(ع) در قبال مدیران ارشد نظام چنین بوده است:

خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و ناداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. (نهج‌البلاغه: خطبه 209)
بنابراین، رسیدگی به وضع معیشتی کارگزاران، در درجه نخست اهمیت است. (بابازاده، 1379: 33)

2. کنترل و بازرسی مستقیم و آشکار در امور کارمندان

امام علی(ع)، هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت مستقیم داشتند و هم به کارگزاران و مدیران توصیه می‌کردند که بر کارها نظارت مستقیم داشته باشند؛

چنان‌که آن حضرت به مالک‌بن‌کعب ارحبی، والی «عین‌التمر» طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند:

اما بعد؛ کسی را به جانشینی خویش بگمار، و با گروهی از همکارانت به سوی منطقه «کوره‌السواد» حرکت کن و عملکرد کارگزاران را از «دجله» و «غریب» تا «بهقبذات» بررسی کن و حساب و کتاب آنها را به‌طور دقیق به انجام رسان. در این مأموریت که خدا به تو سپرده، به فرمان او باش و بدان که اعمال آدمیزاد برای خودش محفوظ است و در ازای آن پاداش می‌گیرد. بنابراین، راستی و نیکی را پیشه کن، که خدا با ما و شما به نیکی رفتار کند، و در مأموریتی که به انجام می‌رسانی، راستی و درست‌ت را به ما نشان بده، والسلام. (محمدی ری‌شهری، 1375: 21/1، ماده «الامانة»)

3. به‌کارگیری نیروهای اطلاعاتی و بازرسان مخفی

امام (ع) به «نظارت پنهانی» نیز سخت معتقد بود و آن را برای اصلاح امور بسیار کارساز می‌دانست؛ زیرا کارگزاران اگر می‌توانستند از دید بازرسان آشکار مخفی شوند یا با ظاهرسازی آنان را بفریبند و یا احیاناً با آنان از در آشتی و سازش درآیند و به لطایف‌الحیل ایشان را از گزارش‌های صحیحی که به زیان آنان است، باز دارند، از بازرسی و گزارش بازرسان پنهان بیمناک بودند و یا این بازرسان از چنین آسیب‌هایی در امان بودند. امام (ع) به قثم‌بن‌عباس (والی مکه) می‌نویسند:

همانا مأمور اطلاعاتی من در شام به من اطلاع داده است که گروهی از مردم شام برای مراسم حج به مکه می‌آیند؛ مردمی کوردل، گوش‌هاشان در شنیدن حق ناشنوا، و دیده‌هاشان نابینا، که حق را از راه باطل می‌جویند، و بنده را در نافرمانی از خدا فرمان می‌برند، دین خود را به دنیا می‌فروشند و دنیا را به بهای سرای جاودانه نیکان و پرهیزگاران می‌خرند، در حالی که در نیکی‌ها، انجام‌دهنده آن پاداش گیرد، و در بدی‌ها جز بدکار کیفر نشود. پس در اداره امور خود، هشیارانه و سرسختانه استوار باش و نصیحت‌دهنده‌ای عاقل، پیرو حکومت و فرمانبردار امام خود باش. مبدا کاری انجام دهی که به عذرخواهی روی آوری! نه به‌هنگام نعمت‌ها شادمان باش و نه به گناه مشکلات، سست. (نهج‌البلاغه: نامه 33)

4. توجه به گزارش‌های مردمی و اعتماد به آنان

علاوه بر بازرسی‌های دقیق و نظام‌یافته که نیروهای رسمی حکومت انجام می‌دادند، امام (ع) از مجراهای متعدد دیگر نیز از عملکرد کارگزاران خویش آگاه می‌شدند؛ که مهم‌ترین آنها ارتباطات قوی مردمی بود. اگر مردم از مسئولان منطقه‌ای ناراضی بودند یا مشکلات خاصی

برایشان بروز می‌کرد که به دست آنان گشوده نمی‌شد، به‌طور مستقیم، حضوری یا مکاتبه‌ای، با امام (ع) تماس می‌گرفتند و از او مدد می‌جستند. امام (ع) نیز به افکار عمومی و خواست به‌حق مردم ارزش می‌نهاد و به آنها ترتیب اثر می‌داد. (بابازاده، 1379: 248-249)

آیین تشویق‌ها و تنبیهات کارگزاران

1. مدیریت صحیح

یکی از راه‌های اعمال مدیریت صحیح این است که بین افراد نیکوکار و بدکار فرق گذاشته شود. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، به این موضوع اشاره شده است:

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران به بدکاری تشویق می‌شوند. پس هر کدام از آنان را براساس کردارشان پاداش ده. (نهج البلاغه: نامه 53)

بنابراین، حاکم اسلامی باید بین کارگزار خوب و بد تفاوت قائل شود و با هر کدام از آنها به شکلی مناسب برخورد کند. (رحمانی، 1382: 36)

2. واگذاری مسئولیت بر اساس توانایی‌ها

آن عده از یاران حضرت (ع) که کاملاً مورد اعتماد بودند و به لحاظ توانایی‌های فکری و اجرایی، درحد بالایی قرار داشتند، به سمت استانداری مناطق حسّاس و بزرگ منصوب می‌شدند و حضرت تقریباً همه اختیارات خویش را به‌عنوان ولی امر مسلمانان در آن مناطق به ایشان تفویض می‌کردند و از این رو، کلیه امور مربوط به نظام اداری، قضایی، اقتصادی، ارتش و حتی بیان مسائل دینی، دراختیار ایشان بود. افرادی همچون قیس بن سعد، محمد بن ابی بکر و مالک اشتر در مصر، و عثمان بن حنیف و ابن عباس در بصره چنین اختیاراتی داشتند. سایر کارگزاران بر اساس امور محوله، اختیارات کمتری داشتند. حتی گاهی برای کمک به استاندار یک منطقه، آن حضرت (ع) قاضی، فرمانده ارتش و مأمور جمع‌آوری مالیات را جداگانه نصب می‌کردند. (رحمانی، 1382: 32-34)

3. راه‌های پیش‌گیری از وقوع خلاف

امیرمؤمنان علی (ع)، همه تلاش خویش را به‌کار می‌گرفت تا براساس اصل مهم رعایت «اهلیت یا شایسته‌سالاری»، کارگزاران شایسته‌ای را بر انجام امور بگمارد؛ افرادی همچون

عمار یاسر، مالک اشتر نخعی، محمد بن ابی بکر و کمیل بن زیاد که نه تنها افرادی لایق و کارآمد بودند، بلکه از نظر تقوا و صفات عالی انسانی، سرآمد مردان روزگار خویش بودند. بنابراین، کسانی باید برای تصدی امور جامعه انتخاب شوند که صلاحیت‌های اخلاقی و اجتماعی داشته باشند؛ فضایی همچون تقوا، اطاعت از خداوند، پیروی از قرآن و سنن الهی، یاری‌رسانی به دین خدا با دست و زبان و قلب، کشتن هواها و شهوات نفسانی، داشتن حیا، از خاندان پاک‌دامن و صالح و اهل راستی و صفا بودن.

4. عزل کارگزاران نالایق

سیاست حضرت علی (ع) در برابر کارگزارانش، سیاست پیشگیری از جرم است. از این رو، آن حضرت (ع) همه شرایط پیشگیری (گزینش، مشخص کردن وظایف، تأمین مالی و بازرسی دقیق) را به کار می‌گیرند. حال اگر با تمامی این شرایط، کسی تخلفی کرد، روشن است که دیگر هیچ بهانه‌ای برای برخورد نکردن با او وجود ندارد. (سرداری، 1382: 56)

راه‌های تقویت ویژگی‌های مثبت کارگزاران

1. تقوای الهی

حضرت علی (ع) بیش از هر چیز، زمامداران حکومتی را به رعایت تقوا دستور می‌دادند؛ مالک را به پرهیزگاری و انجام فرایض الهی سفارش می‌کردند (نهج‌البلاغه: نامه 95)، و دیگر کارگزاران را نیز به این مهم توصیه می‌کردند تا در آشکار و نهان از خدا بترسند و او را نافرمانی نکنند. (نهج‌البلاغه: خطبه 157) بنابراین، برای پیشگیری از آفت‌های احتمالی، لازم است کارگزاران دولت را پرهیزگار و درستکار تربیت کنند؛ چراکه زمامدار بی‌تقوا اسیر هوا و هوس، حرص و طمع، و خشم و شهوت است و چنین کسی فقط در پی تأمین نیازهای خود است. پس اولین شرط مدیر شایسته این است که تقوا داشته باشد تا خطا و اشتباهی از او سر نزنند. (بابازاده، 1379: 452-455)

2. بی‌اعتنایی به دنیا

براساس تفکر امام علی (ع)، دل‌بستن به دنیا منشأ همه خطاها است. آن حضرت (ع) بی‌اعتنایی به دنیا را در گفتار و رفتار نشان می‌دهند و همگان را بدان توصیه می‌کنند:

به خدا سوگند که این دنیای شما در نظر من از استخوان خوکی در دست شخصی جذامی که هیچ کس میلی به آن ندارد، پست‌تر و کم ارزش‌تر است. (نهج‌البلاغه: حکمت 236)

دنیای شما نزد من بی‌ارزش‌تر از برگ جویده‌ای است که در دهان ملخ باشد. (نهج‌البلاغه: خطبه 224)

اگر زمامدار به دنیا دل‌بسته و به مادیات چشم دوخته باشد، قدرت و ریاست را وسیله رسیدن به آن قرار می‌دهد و در این راه، هر جنایتی را مرتکب می‌شود. آن حضرت (ع) مکرر همه مردم، به‌خصوص کارمندان نظام اسلامی را به زهد و دل‌نستن به دنیا دستور می‌دادند و می‌فرمودند:

از دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا درحقیقت، دام شیطان است. (نهج‌البلاغه: خطبه 224)

3. توجه به نتایج اعمال

براساس فرمان‌ها و توصیه‌های امام علی (ع) به زمامداران، توجه به نتایج اعمال، عامل مهمی در مهار و تنظیم رفتار فرمانروایان است. آن حضرت (ع) در این زمینه می‌فرمایند:

ای بندگان خدا، خداوند در روز قیامت از اعمال کوچک، بزرگ، آشکار و پنهان شما سؤال می‌کند. (نهج‌البلاغه: نامه 27)

یعنی هر کاری در دنیا انجام دهید، در آخرت درباره آن سؤال می‌شود. به همین دلیل است که آن حضرت (ع) به مردم هشدار می‌دهند:

بپرهیزید از روزی که همه اعمال شما در آن آشکار می‌شود. (نهج‌البلاغه: خطبه 157)

4. مشورت با علما

هر که با افراد کاردان مشورت کند، با خرد و اندیشه آنان شریک شود (نهج‌البلاغه: حکمت 152) و هر که به افکار و نظرات دیگران مراجعه کند، موارد خطا و اشتباه را می‌شناسد. (نهج‌البلاغه: حکمت 164) در نتیجه، کار را درست انجام می‌دهد. براین اساس، مشاوره و تبادل نظر زمامداران با دانشمندان و علما از بسیاری آفت‌های سیاسی و خطاهای احتمالی جلوگیری می‌کند. (باب‌زاده، 1379: 91)

نتیجه‌گیری

دقت‌ها و حساسیت‌هایی که حضرت علی(ع) در انتخاب کارگزاران و سپس نظارت بر عملکرد آنان به‌خرج می‌دادند، حاکی از آن است که اعطای مسئولیت به افراد نالایق و یا واگذاری آنان - حتی صالح و متعهد - به حال خود و عدم نظارت بر آنان، نتیجه‌ای جز فروپاشی و زوال تدریجی حکومت را در پی نخواهد داشت. اگر آن حضرت(ع) در برابر بی‌عدالتی‌ها، جاه‌طلبی‌ها، ثروت‌اندوزی‌ها و ستمکاری‌های بعضی از کارگزاران خود عکس‌العمل شدید نشان می‌دهد، به‌خاطر آن است که می‌داند بی‌توجهی به این مسائل، برافروختن آتشی است که در درجهٔ اول دامن خود کارگزاران و درنهایت حکومت را فراخواهد گرفت. پس باید نتیجه گرفت که رفتار و عملکرد کارگزاران، تأثیر مستقیمی بر ثبات نظام‌های سیاسی دارد.

مسئلهٔ رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت، در تمامی نامه‌ها و عهدنامه‌های امام علی(ع) به کارگزاران ملاحظه می‌شود. دقت آن حضرت(ع) در رعایت حال مردم و حفظ شخصیت آنان و پرهیز از زورگویی و تهدیدشان به این سبک در سایر رهبران دیده نمی‌شود. در اندیشهٔ سیاسی حضرت علی(ع)، کسانی که از امکانات و اموال و اختیارات حکومتی بهره‌مند می‌شوند، باید صفات و ویژگی‌هایی داشته باشند که بتوانند وظیفهٔ خود را به‌درستی انجام دهند، چراکه در غیر این صورت به تباهی امور و سقوط حکومت منجر می‌شود. امام علی(ع) در عزل و نصب‌های خود هیچ‌گاه مسئلهٔ رفاقت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی‌دادند و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل می‌کردند، نداشتند، بلکه تنها به رضای خدا می‌اندیشیدند و مصلحت مردم را در نظر داشتند. در اندیشهٔ سیاسی آن حضرت(ع)، هیچ خطری برای جامعهٔ اسلامی بیشتر از خطر برسر کارآمدن افراد فاقد اهلیت و کم‌صلاحیت نیست. حضرت علی(ع) بیم داشتند که افراد ناصالح و نالایق زمام امور مملکت را به‌دست گیرند و جامعه را به‌سمت تباهی و سقوط بکشانند.

امیرالمؤمنین علی(ع) در سخنان خود مکرر به مسئلهٔ سلامت اخلاقی و دینی و سیاسی کارگزاران حکومتی توجه کرده و دربارهٔ آن هشدار جدی داده‌اند. از نامهٔ امام(ع) به زیادبن ابیه هنگامی که او را جانشین عبدالله بن عباس در استان فارس کرد، برمی‌آید که تعدی و تخلف کارگزاران همواره از عوامل مهم قیام و مبارزه مسلحانهٔ مردم علیه حکومت‌ها و تغییر نظام سیاسی مستقر است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

استعمل العدل و احذر العسف والحيف فان العسف يعود بالجلاء والحيف يدعو الى السيف.
(نهج البلاغه: حکمت 468)

نتیجه آنکه اگر مجموعه ویژگی‌ها و بایستگی‌هایی که حضرت در مورد کارگزاران خود بر آنها تأکید کرده‌اند، در حکومتی مجتمع باشد و از طرفی نظارت مستمر جهت تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم حاکم باشد، یقیناً می‌توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است که تنها در این صورت است که مردم به این گونه نظام‌ها روی می‌آورند و تداوم آن را می‌خواهند، وگرنه دیری نمی‌پاید که پایه‌های نظام حاکم از درون سست و متلاشی و زمینه‌های زوال و فروپاشی آن فراهم می‌شود؛ چه، اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نشود، آن حکومت محکوم به سقوط است و در این مسئله، هیچ تردیدی نیست.

کارگزارانی که بتوانند تمدن‌سازی کنند و در حوزه عمل کارگزار دولت اسلامی باشند، باید ویژگی‌های ذیل را داشته باشند:

1. از لحاظ بینش و تفکر باید از عمق جان به خدا، پیغمبر (ص)، و روز جزا معتقد باشند؛ پشتوانه‌ای که متضمن مطالعه‌ای عمیق باشد، به گونه‌ای که ایمان از آن بجوشد.
2. انتخاب مدیران و کارگزاران باید براساس ملاک و معیار صحیح و مناسب صورت پذیرد. اهل تجربه‌بودن، نجابت‌داشتن، از خانواده‌ای ریشه‌دار و شایسته و از پیش‌تازان در پذیرش اسلام بودن، برتری اخلاقی، آبرومندی، حرص و طمع مادی کمتر داشتن، فرجام‌نگر بودن، خیرخواه خدا، پیامبر و امام بودن، پاک‌دامن‌ترین و بردبارترین افراد، اهل صداقت، وفاداری و جامع اخلاق نیکو بودن، از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب مدیران و کارگزاران است که باید به آنها توجه شود.
3. تربیت اسلامی داشته باشند؛ یعنی درمقابل شهوت، پول، قدرت و شهرت، توان ایستادگی داشته باشند و دست و پا و دل آنها در کوران حوادث و آزمایش نلغزد و دچار وسوسه نشوند.
4. درطول مدت مدیریت و قبول مسئولیت، ممکن است انحرافات در مدیران و یا بدنه حکومت ایجاد شود. حاکم اسلامی باید همواره مراقب مدیران و کارگزاران حکومت باشد و زمینه انحراف را با شیوه‌های گوناگون از بین ببرد؛ و این مهم انجام نمی‌شود، مگر با نظارت دقیق.
5. بینش اسلامی - اجتماعی بالایی داشته باشند، به گونه‌ای که بتوانند شرایط منطقه و جهان و اسلام را تحلیل کنند. نه اینکه مسائل را صرفاً از طریق مطبوعات تحلیل کنند. باید رأساً قوای فکری داشته باشند تا معادلات را بشناسند.

6. قدرت مدیریت و رهبری داشته باشند تا بتوانند مجموعه‌ای را پشت سر خط خود به حرکت و تحول رهنمون شوند.
7. نظارت و بازرسی باید به کمک بازرسان آشکار و پنهان (چه کارمند رسمی سازمان بازرسی و نظارت و چه کارمند معمولی) و با نظارت فراگیر مردمی انجام پذیرد.
8. متخصص باشند.

منابع

قرآن.

- ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمدبن علی (1360). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بابازاده، علی اکبر (1379). سیمای حکومتی امام علی (ع)، قم: انصاریان.
- پیروز، علی آقا؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود (1385). مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی اصفهانی، سید مرتضی (1384). کارگزاران شایسته در اسلام، قم: فرهنگ قرآن.
- رحمانی، جعفر (1382). پرورش نیروی انسانی در حکومت علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.
- سرداری، احمد (1382). آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران در حکومت علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.
- سرمد، محمدرضا (1386). مدیریت اسلامی، تهران: پیام نور.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (1406ق). مجمع‌البیان، تهران: ناصرخسرو.
- کلینی، محمدبن یعقوب (1388ق). اصول الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (1375). میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (1402ق). بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- موسوی‌زاده، سید محمد (1382). بررسی ویژگی‌های شخصیتی مدیران در سیره علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.
- ناظم بکایی، محسن (1382). قفراز دیدگاه علی (ع)، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.
- نهج‌البلاغه (1380). ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- واتقی، قاسم (1380). اخلاق در مدیریت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.